اهمیت و ارزش یتیم‌نوازی در اسلام

■ جمشید سلامی

کودک بی‌پدر و پدرمرده از اصطلاحات اسلامی است که در قرآن از آن به عنوان «یتیم» تعبیر شده است. آموزه‌های قرآنی، حقوقی را برای یتیم تعریف کرده و از جامعه خواسته تا به گونه‌ای جبران فقدان پدر کند و سرپرستی و آموزش تربیت او را به عهده گیرد.

در مطلب پیش رو راه‌های تعامل صحیح با یتیم تبیین شده است.

مفهوم‌شناسی اصطلاح یتیم

واژه یتیم از یتم به معنای تنها آمده است. وقتی به کودکی یتیم گفته می‌شود که قبل از بلوغ از پدر جدا افتاده باشد یا پدرش را از دست داده باشد. (مفردات الفاظ قرآن کریم، راغب اصفهانی، ص ۵۷۵؛ اقرب الموارد، ذیل واژه) فراهیدی نیز یتیم را به فقدان پدر معنا کرده است. (العین، فراهیدی، ج۲، ص ۱۴۲)

البته برخی از فرهنگ‌های فارسی یتیم را به بی‌مادر نیز اطلاق کرده یا بی‌پدر و مادر را یتیم‌الطرفین گفته‌اند. (آنندراج؛ ذیل واژه)

اما در اصطلاح مفسران و فقیهان، یتیم تنها به کودک پدرمرده اطلاق می‌شود. مرحوم علامه طباطبایی در المیزان می‌نویسد: «یتیم به کسی گفته می‌شود که پدرش را از دست داده و این واژه برای شخصی که مادرش مرده، بکار نمی‌رود. برخی معتقدند یتیم کسی است که پدرش مرده و در حیوانات به کسی که مادرش را از دست داده اطلاق می‌گردد.» (المیزان، ج۱، ص ۲۱۹)

بر این اساس به کودکی که مادر مرده است یا از پدر جدا افتاده، یا کودکی که بالغ است، یتیم گفته نمی‌شود؛ هرچند برخی چون راغب اصفهانی در مفردات و ابن عاشور از مفسران اهل سنت، کودک جدا افتاده را یتیم می‌داند و ابن عاشور می‌نویسد: «از نظر عرب‌ها، کودکی که تنها مانده و پدرش را که حامی و دفاع‌کننده و نفقه‌دهنده او بوده، از دست داده یتیم است و این مطلب درباره مادر صدق نمی‌کند زیرا با از دست دادن او بی‌سرپرست نمی‌ماند.» (تفسیرالتحریر و التنویر، محمد الطاهر بن عاشور، ج۴، ص ۲۱۹)

از دیدگاه حقوقی و قانونی، یتیم فردی است که فاقد ولی و قیم و سرپرست باشد. (حجتی اشرفی، غلامرضا، مجموعه کامل قوانین و مقررات حقوقی، ص۴۰)

در حقیقت دامنه حقوقی یتیم فراتر از اصطلاح قرآنی و فقهی آن است؛ از همین رو، فاقد ولی و قیم و سرپرست را یتیم دانسته است؛ حال این فقدان می‌تواند به سبب مرگ یا جدایی کودک از آنان اتفاق بیفتد. پس اگر کودک پدرش را از دست داده اما ولی داشته باشد، از نظر حقوقی یتیم نیست، در حالی که از نظر اسلام یتیم است، هر چند که دارای ولی باشد.

اصطلاح و عنوان یتیم تا زمانی بر کودک اطلاق می‌شود که به بلوغ نرسیده باشد، اما پس از بلوغ این عنوان بر او اطلاق نمی‌شود و احکام یتیم نیز بر او بار نمی‌گردد.

از امام کاظم(ع) سوال شد که چه زمانی «یتم» قطع می‌شود؟ حضرت پاسخ دادند: وقتی فرزند به سن بلوغ می‌رسد و اخذ و عطا را تشخیص می‌دهد. (وسائل الشیعه، ج۱۰، ص۴)

از حدیث این معنا به دست می‌آید که شرط بلوغ جنسی تنها کفایت نمی‌کند، بلکه بلوغ اقتصادی نیز می‌بایست اثبات شود؛ از این رو در آیات قرآنی تا زمانی کودک به بلوغ اقتصادی نرسیده نمی‌تواند اموال خود را در اختیار بگیرد. هرچند به بلوغ جنسی رسیده باشد بر همین اساس باید کودک برای این مسئولیت‌ها آموزش دیده و پرورش یابد و با آزمون و ابتلائات آمادگی کسب مسئولیت را به دست آورد و پس از احراز توانایی اخذ و عطا یعنی بلوغ اقتصادی مسئولیت اقتصادی را به عهده بگیرد.

خداوند در آیه ۴ سوریه نساء می‌فرماید: وابتلوا الیتامی حتی اذا بلغوا النکاح فان آنستم منهم رشدا فادفعوا الیهم ولا تأکلوها اسرافا و بدارا أن یکبروا و من کان غنیا فلیستعفف و من کان فقیرا فلیأکل بالمعروف فاذا دفعتم الیهم أموالهم فأشهدوا علیهم و کفی بالله حسیبا؛ و یتیمان را بیازمائید تا وقتی به سن ازدواج برسند پس اگر در ایشان رشد فکری یافتید، اموالشان را به آنان رد کنید و آن را از بیم آنکه مبادا بزرگ شوند، به اسراف و شتاب مخورید. و آن‌کس که توانگر است باید از گرفتن اجرت سرپرستی خودداری ورزد و هر کس تهیدست است بدهید، به دست می‌آید که حفظ مال تا زمانی که باید مال به آنان داده شود.

واجب است خداوند از کسانی که مال یتیم را در اختیار دارند حتی اولیای یتیم خواسته است تا مال یتیم را از مال خود جدا کنند و به شکل اختلاط و در هم نگه ندارند؛ زیرا این ترکیب موجب اختلاط خبیث و طیب می‌شود و خوردن اختلاطی از مال خود و یتیم اختلاط حلال و حرام است. خداوند می‌فرماید: و آتوا الیتامی اموالهم ولا تتبدلوا الخبیث بالطیب ولا تاکلوا اموالهم الی اموالکم انه کان حوبا کبیرا؛ و اموال یتیمان را پس از بلوغ به دست آنها دهید، و مال بد و نامرغوب خود را به مرغوب (آنها) تبدیل نکنید و اموال آنان را به ضمیمه اموال خود مخورید، که این گناهی بس بزرگ است. (نساء، آیه ۲)

۳. سرپرستی یتیم: افراد جامعه مسئولیت دارند تا از یتیمان مراقبت کنند؛ اما براساس قاعده «الاقرب ثم الاقرب یا الاقرب یمنع الابعد؛ اول مسئولیت بر عهده خویشان و اقربای او و سپس دیگران است. امام باقر (ع) فرمود «چهار خصلت در هر کس باشد خداوند خانه‌ای در بهشت برای او بنا کند: کسی که یتیمی را پناه دهد و بر ناتوانی دلسوزی کند و به پدر و مادر خود مهر ورزد و با زیر دست خود مدارا کند.

(خصال صدوق، ج ۱، ص ۲۳۱، حدیث ۵۳)

پیامبر (ص) نیز که خود کودکی یتیم بودند و با درد یتیمی به خوبی آشنا هستند در مورد اجرا و پاداش سرپرستی یتیم فرمودند: «کسی که یتیمی را سرپرستی کند تا از او بی نیازی شود خداوند بهشت را بر وی واجب می‌کند، همان گونه که اگر کسی در مال یتیم خیانت کند مستحق دوزخ می‌شود» (امالی طوسی، ج ۲، ص ۹۹)

در آیات سوره ضحی به این مطلب اشاره شده و خداوند به پیامبر (ص) می‌فرماید همان طور که یتیم بودی و تو را پناه دادیم تو نیز یتیمان را نوازش کن و آنها را از خود دور نکن. (مهدوی کنی، نقطه‌های آغاز در اخلاق عملی، ص ۵۰۳)

***

*** اصطلاح و عنوان یتیم تا زمانی بر کودک اطلاق می‌شود که به بلوغ نرسیده باشد، اما پس از بلوغ این عنوان بر او اطلاق نمی‌شود و احکام یتیم نیز بر او بار نمی‌گردد.**

انسان اگر با دیدی عمیقتر نسبت به اطرافیان خود بنگرد، کودکان و خانواده‌های بی سرپرستی را خواهد دید که نیازمند کمک مالی و محبت هستند، در حالی که ممکن است ما از آنها غافل باشیم و دچار سهل‌انگاری در مورد آنان شده باشیم، حال آنکه پدر یتیمان، امیر مومنان (ع) به شهادت تاریخ مدام به حال ایتام و ضعیفان رسیدگی می‌کرد و سرپرست و حمامی‌شان بود، علاوه بر اینها ایشان نزدیک شهادت خود فرمودند: «خدا را،

خدا را در مورد یتیمان، نکند آنها گاهی سیر و گاهی گرسنه بمانند، نکند آنها در حضور شما در اثر عدم رسیدگی از بین بروند.» (نهج‌البلاغه، چاپ صبحی صالح، وصیت ۴۷) این وصیت امام حاکی از مسئولیت سخت در قبال یتیمان است، که امام این چنین بدان سفارش دارند، پس در رفتارمان با دیگران و به‌خصوص قشر درد کشیده باید بسیار تامل و دقت کرد؛ چرا که این یک آزمایش الهی است برای هر دو طرف؛ «یتیمان از آن جهت که والد خود را از دست داده‌اند و دیگران از جهت برخورد با آنان» (الدر المنثور، ج ۹، ص ۴۶، ذیل نساء، آیه ۹)

۴. اصلاح کار یتیمان: یکی از وظایف و تکالیف امت و حقوق یتیمان توجه ویژه به امور آنان است به‌طوری که اگر فسادی در کار آنان یافت شد و یا به هر دلیلی مشکلی دارند، باید امت برای اصلاح کار آنان اقدام کند. خداوند می‌فرماید: یسئلونک عن الیتامی قل اصلاح لهم خیر و ان تخالطوهم فاخوانکم؛ از تو درباره یتیمان می‌پرسند، بگو: اصلاح کار آنان بهتر است و اگر زندگی خود را با زندگی آنها بیامیزید، آنها برادران دینی شما هستند. (بقره، آیه ۲۲۰)

۵. اختلاط عادلانه با یتیمان: در آیه پیش گفته بر اختلاط با آنان تاکید شده است؛ پس نباید به این دلیل واهی که ممکن است به آنان ظلم روا داریم یا کوتاهی کنیم اصولا به سمت آنان نرفته و با آنان اختلاط نداشته باشیم. خداوند در آیه ۳ سوره نساء حتی نسبت به اختلاط بلکه ازدواج با یتیمان می‌فرماید: «و اگر می‌ترسید که (به هنگام ازدواج با دختران یتیم) عدالت را رعایت نکنید، (از ازدواج با آنان، چشم‌پوشی کنید و) با زنان پاک (دیگر) ازدواج نمایید. علامه طباطبایی مورد نزول آیه یاد شده را ازدواج سرپرستان ایتام با دختران یتیم به خاطر بهره‌مندی از مالشان و سپس رها کردن آنها در حالی که تهی دست شده و کسی مایل به آنها نیست، دانسته است. (المیزان فی تفسیر القران، علامه سیدمحمدحسین طباطبایی، ج ۴، ص ۱۶۶-۱۶۷)

۶. اکرام و احسان یتیم: یکی دیگر از حقوق یتیمان و تکلیف جامعه اسلامی، اکرام و احسان در حق یتیمان است. احسان به یک معنا اعم است و شامل اکرام یعنی نیکی در برابر بدی نیز می‌شود؛ اکرام معنای اخص از احسان دارد؛ اما هرگاه جدا به کار رود شامل معنای دیگری نیز می‌شود؛ به هر حال، اکرام مرتبه بسیار والایی است و انسان باید بیش از آنکه یتیم چیزی بخواهد بی هیچ منت و ریایی و خالصانه و از روی محبت به او اکرام کند.

از آیه ۱۷ سوره حجر به دست می‌آید که عدم توجه به این حق یتیمان موجب می‌شود تا انسان گرفتار خشم الهی و دوزخ شود: کلا بل لاتکرمون الیتیم؛ ولی نه بلکه شما با یتیم کریمانه برخورد نکردید و اکرام ننمودید.

خداوند در آیه ۸۸ سوره بقره، یکی از میثاق‌های مهم با یهودیان را احسان به یتیمان برشمرده است. البته مفاد میثاقی که با یهودیان بسته شده اموری عام است که بر عهده هر مسلمان و مؤمنی به خدا و قیامت است؛ از این رو این مفاد در آیات دیگر قرآنی برای امت اسلامی نیز واجب دانسته شده است.

۷- اطعام و اهتمام به خوراک و پوشاک یتیم: خداوند در آیات بسیاری چون آیه ۸ و ۱۲۷ سوره نساء و آیه ۸ سوره انسان و آیه ۱۷ سوره فجر و ۶ سوره ضحی و ۲ سوره ماعون بر توجه به تغذیه و اطعام یتیمان تأکید می‌کند و می‌فرماید: «با یتیمان سخن نیکو و دلپسند بگویید، به آنها اطعام دهید، آنها را گرامی داشته و به آنها پناه دهید و هرگز آنها را آزرده خاطر نکرده و از خود دور نکنید». حضرت علی(ع) قبل از شهادتش فرمودند: الله الله فی‌الایتام فلاتغبوا افواههم و لا یضیعوا بحضرتکم فقد سمعت رسول الله یقول من عال یتیما حتی یستغنی اوجب الله عز و جل له بذلک الجنه کما واجب لاکل مال الیتیم النار؛ درباره یتیمان از خدا بترسید و مبادا یک روز سیرشان کنید و یک روز گرسنه بمانند و مبادا که با حضور شما حقوقشان ضایع شود. زیرا از رسول خدا(ص) شنیدم که هر کس یتیمی را سرپرستی کند تا آن که بی‌نیاز شود خداوند عزوجل با این کار، بهشت را بر او واجب می‌گرداند همچنان که جهنم را برخورنده مال یتیم واجب ساخته است (کافی ج ۷ باب ۵۱ حدیث ۷، نهج‌البلاغه، نامه ۴۷)

*** خوردن مال یتیم گناه کبیره است و خداوند در قرآن مرتکب گناه کبیره را اهل دوزخ دانسته است. چنان‌که می‌فرماید: مال یتیمان را به یتیمان دهید و حرام را با حلال مبادله مکنید و اموال آنها را همراه با اموال خویش مخورید، که این گناهی بزرگ است.**

۸. تعلیم و تربیت: از دیگر حقوق یتیمان و تکالیف امت، تعلیم و تربیت یتیمان است که از آیه ۴ سوره نساء نیز به دست می‌آید؛ زیرا باید آموزش و تربیت به شکلی انجام گیرد که یتیم به رشد فکری و عملی دست یافته و بتواند مسئولیت‌های خود را به عهده گیرد و زندگی مستقلی را تشکیل دهد. امیرمومنان علی(ع) درباره تربیت یتیمان نیز می‌فرماید: ادب الیتیم مما تؤدب منه ولدک و اضربه مما تضرب منه ولدک؛ همانطور که فرزندان خود را تربیت می‌کنید، یتیمان را نیز ادب نمایید و همانطور که در هنگام ضرورت فرزندان خویش را می‌زنید، از یتیمان نیز غفلت نکنید (چنانچه نیاز باشد می‌توان متوسل تنبیه مجاز شرعی شد) تا بچه‌های لوس بار نیایند (وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۱۲۵)

پاداش یتیم‌نوازی

اگر کسی به این مسئولیت‌های الهی خویش در قبال یتیمان عمل کند و حقوق آنان را مراعات نماید، از پاداش‌های عام و خاصی برخوردار می‌شود که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. اهل اکرام و احسان: کسی که حقوق یتیمان را مراعات کند و به اکرام و احسان با آنان برخورد نماید، از اهل اکرام و احسان خواهد بود که در آیات قرآنی برای چنین افرادی ثواب بسیاری در دنیا و آخرت بیان شده است.

۲. بهشت: مراعات حقوق یتیمان موجب ورود در بهشت است. معصوم(ع) می‌فرماید: «من اراد ان یدخله‌الله عز و جل فی رحمته و یسکنه جنته فلیحسن خلقه... و لیرحم الیتیم؛ کسی که بخواهد مشمول رحمت خداوند گردد و وارد بهشت شود... باید نسبت به یتیمان دلسوز و مهربان باشد. (امالی صدوق، صفحه ۳۱۸، مجلس ۶۱، حدیث ۱۵)

پیامبر(ص) می‌فرماید: «من عال یتیما حتی یستغنی اوجب‌الله له بذلک الجنهٌ؛ کسی که یتیمی را در خاندان خود نگاهداری کند تا دوران کودکی‌اش سپری گردد و از سرپرستی بی‌نیاز شود، خداوند با این عمل بهشت را بر او واجب می‌کند. (تحف‌العقول، ص ۱۹۸)

امام باقر(ع) می‌فرماید: اربع من کن فیه بنی‌الله بیتا فی الجنهٌ: من آوی الیتیم و رحم الضعیف و اشفق علی والدیه و رفق بمملوکه؛ هر کس دارای چهار خصلت باشد خداوند خانه‌ای در بهشت برایش بنا می‌کند؛ یتیمی را سرپرستی کند، بیچاره‌ای را ترحم کند، با پدر و مادر مهربان باشد و با مملوک خود نیکی و مدارا کند (خصال صدوق، ص ۱۷۶)

۳. همسایگی پیامبر(ص) در بهشت: پیامبر اکرم(ص) فرمودند: أنا و کافل الیتیم کهاتین فی‌الجنهٌ و اشار باصبعیه السبابهٌ و الوسطی؛ پیامبر اکرم(ص) انگشت اشاره و میانی خود را نشان داد و فرمود من و سرپرست یتیم در بهشت مانند این دو هستیم. (مستدرک، ج ۲، ص ۴۷۴)

۴. رهایی از قساوت قلب: از آثار دنیوی یتیم‌نوازی، رهایی از قساوت قلب و مشکلات روحی و روانی است. رسول خدا(ص) می‌فرماید: «من انکر منکم قساوهٌ قلبه فلیدن یتیما فیلاطفه و لیمسح راسه یلین قلبه باذن‌الله للیتیم حقا؛ کسی که از قساوت قلب خود ناراضی است یتیمی را مورد ملاطفت قرار دهد، دست نوازش بر سرش بکشد امید است دلش به اذن خدا مهربان شود، یتیم در اجتماع حقی دارد، با نوازش، حق او ادا می‌شود. (وسائل‌الشیعه، ج ۱، ص ۱۵۷؛ الترغیب و الترهیب ج ۳ ص ۳۴۹ حدیث ۱۴)

۵. بهره‌مندی از حسنات: برخی از اعمال یک حسنه و پاداش بیشتر ندارد، اما برخی از اعمال چون قرض‌الحسنه دارای چندین برابر از حسنات است. یتیم‌نوازی هم این‌گونه است. رسول خدا(ص) می‌فرمایند: من مسح راس یتیم کانت له بکل شعرهٌ مرت علیها یده حسنات؛ کسی که دست نوازش و محبت بر سر یتیمی بکشد به عدد هر مویی که از زیر دستش گذشته خداوند پاداش به او عنایت می‌فرماید. (مستدرک‌الوسایل، ج ۲، ص ۶۱۶)

۶. مغفرت و بخشایش خداوندی: از دیگر آثار و برکات یتیم‌نوازی مغفرت الهی است. رسول خدا(ص) در این باره فرموده‌اند: «من کفل یتیما من المسلمین فادخله الی طعامه و شرابه، ادخله‌الله الجنهٌ البتهٌ الا ان یعمل ذنبا لایغفر؛ کسی که متکفل یتیمی شود، او را به خانه خود ببرد و در خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها شریک خویش کند البته پاداش او بهشت است مگر آنکه گناه غیرقابل بخششی مرتکب شده باشد. (مستدرک، ج ۱، ص ۱۴۸)

۷. بهترین و نیکوترین خانه: اگر بخواهیم خانه‌ای داشته باشیم که خانه خیر و نیک شود، باید یتیم‌نوازی کنیم تا مشکلات از خانه ما رخت بربندد. رسول خدا(ص) می‌فرماید: خیر بیوتکم بیت فیه یتیم یحسن الیه و شر بیوتکم بیت یساء الیه؛ بهترین خانه‌های شما خانه‌ای است که در آن یتیمی مورد احسان قرار گیرد و بدترین خانه‌ها خانه‌ای است که در آن به یتیمی بدرفتاری و ستم شود. (مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۱۴۸)

کیفر و مجازات یتیم آزاری

در آیات قرآن تنها به حقوق و مسئولیت‌های مردم در قبال یتیمان اشاره نشده است؛ بلکه مجازات و کیفرهایی نیز برای کسانی که به هر شکلی حقوق یتیمان را مراعات نمی‌کنند و یا حتی بدتر موجب اذیت و آزار آنان می‌شوند، بیان شده است که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. آتش‌خوری: خوردن مال یتیم، خوردن آتش است که درون آدمی را می‌سوزاند. این از باب مثال نیست، بلکه بیان حقیقت ملکوتی است؛ زیرا اگر چشم ملکوتی داشته و اهل یقین بودیم همین الان در دنیا می‌دیدیم که مال یتیم‌خوری آتش‌خوری است. (تکاثر، آیات ۵ و ۷)

خداوند در این باره می‌فرماید: ان الذین یاکلون اموال الیتامی ظلما انما یاکلون فی بطونهم نارا و سیصلون سعیرا؛ آنان که اموال و دارایی یتیمان را به ستم می‌خورند، جز این نیست که آتشی در شکم خود فرو می‌برند و به زودی در آتشی فروزان درآیند. (نساء، آیه ۱۰)

همچنین خداوند می‌فرماید: ان الذین یکتمون ما انزل الله من الکتاب و یشترون به ثمنا قلیلا اولئک ما یاکلون فی بطونهم الا النار؛ کسانی که آیات خدا را کتمان می‌کنند و به وسیله درآمد ناچیزی فراهم می‌نمایند آنها جز آتش چیزی نمی‌خورند. (بقره، آیه ۱۷۴) شخصی از امام معصوم(ع) سؤال کرد: این مجازات آتش درباره چه مقدار از غصب مال یتیم است؟فرمود: «در برابر دور درهم!» (نگاه کنید: تفسیر البرهان، ج ۱، ص ۳۴۷)

در مجمع‌البیان آمده است: روز قیامت، آتش از دهان و گوش و بینی مال یتیم‌خوردگان زبانه می‌زند تا مردم بدانند که آنها مال یتیمان را خورده‌اند. امام باقر(ع) از پیامبر گرامی روایت کرده است که روز قیامت مردمی سر از قبر بیرون می‌آورند که آتش از دهانشان زبانه می‌زند پرسیدند اینها چه کسانی هستند؟ حضرت همین آیه را قرائت کردند.

۲. گناه کبیره: خوردن مال یتیم گناه کبیره است و خداوند در قرآن مرتکب گناه کبیره را اهل دوزخ دانسته است. چنانکه می‌فرماید: مال یتیمان را به یتیمان دهید و حرام را با حلال مبادله مکنید و اموال آنها را همراه با اموال خویش مخورید، که این گناهی بزرگ است. (نساء/۲)

۳. تنگدستی و فقر: یکی از عواملی که موجب فقر می‌شود، عدم تکریم یتیمان است. خداوند به این مطلب در آیات ۱۶ و ۱۷ سوره فجر اشاره کرده است. در این آیات توضیح داده شده که اهانتی از سوی خداوند صورت نگرفته و فقر و نداری افراد به سبب عدم تکریم یتیمان است. پس یکی از آزمون‌ها، آزمون با یتیمان است که موجب تنگنای مالی می‌شود. (بل لاتکرمون الیتیم)

۴. گرفتاری نسل‌ها: آثار مال یتیم‌خوری به خود فرد محدود نمی‌شود، بلکه در نسل‌های آینده او نیز می‌ماند. حلبی، از امام صادق(ع) روایت کرده است که در کتاب امیرمؤمنان علی(ع) آمده است: آن که از روی ستم و به ناروا مال یتیم را حیف و میل می‌کند، فرجام کار خود را خواهد دید، و مکافات این عمل زشت او، در دنیا گریبانگیر نسل او و در عالم آخرت دامنگیر خود او خواهد شد.

۵. بدترین خوردنی‌ها: خداوند خوردن مال یتیم را مانند خوردن خبیث معرفی کرده است. از امام صادق(ع) از پدرانش از پیامبر(ص) نقل کرده که فرمود: شر الماکل اکل مال الیتیم ظلما؛ بدترین خوردنیها، خوردن مال یتیم از روی ستم است. (امالی الصدوق: ۳۹۵/ ۱ منتخب میزان الحکمهٌ: (۶۲۰)

عقل معاش در مدیریت اقتصادی خانواده

■ عبدالصالح شمس‌اللهی

عقل معاش در آموزه‌های وحیانی به عنوان یکی از قله‌های کمالات انسانی معرفی شده است. نویسنده در نوشتار حاضر به تبیین این آموزه پرداخته و فرآیند مدیریت اقتصادی خانواده را در مراحل درآمد، هزینه و آینده‌نگری همراه با توکل مورد بررسی و کنکاش قرار داده است. اینک مطلب را از نظر می‌گذرانید.

یکی از معیارهای مهم سبک زندگی اسلامی مسئله اقتصاد و نحوه مدیریت مسائل مالی است. در سبک زندگی اسلامی در مسئله اقتصاد اصولی حاکم است که در صورت فقدان خانواده به جای گرفتن رنگ الهی رنگ مادی به خود می‌گیرد.

در اسلام اصل تعالی انسان و رشد به سمت معنویت است؛ و مسائل مالی و اقتصادی به عنوان ابزار مطرح است؛ و اگر این مسئله در خانواده لحاظ شود مفهوم آن چنین است که باید به دیدی ابزاری به اقتصاد خانواده نگاه کرد؛ یعنی اقتصاد و مسائل مالی را در خانواده باید به گونه‌ای مدیریت نمود که در خدمت رشد و تعالی انسان قرار بگیرد.

مدیریت اقتصادی یکی از سه رکن کمال است؛ به این معنا که اگر کسی این رکن را نداشته باشد در رسیدن به کمالات انسانی ناکام می‌ماند.

عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ قَالَ الْکَمَالُ کُلُّ الْکَمَالِ التَّفَقُّهُ فِی الدِّینِ وَ الصَّبْرُ عَلَی النَّائِبَةِ وَ تَقْدِیرُ الْمَعِیشَةِ[۱]

«امام باقر(ع) فرمودند کمال، تمام کمال، به تفقه در دین و صبر بر مصیبت و برنامه‌ریزی در معیشت است.»

و نکته دقیق این است که کسی که این رکن را مراعات نکند دنیا و آخرتش بر باد رفته است؛ و در یک کلام زندگیش عاری از خیر خواهد بود.

عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ(ع) قَالَ مَا خَیْرٌ فِی رَجُلٍ لَا یَقْتَصِدُ فِی مَعِیشَتِهِ مَا یَصْلُحُ لَا لِدُنْیَاهُ وَ لَا لِآخِرَتِهِ[۲]

«امام باقر(ع) فرمودند: خیر ندارد مردی که در معیشتش مقتصد نیست و اصلاح نخواهد شد، نه دنیای او و نه آخرتش.»

مراحل مدیریت اقتصادی خانواده در اسلام

در آمد

یکی از اصلی ترین سر فصل‌های مدیریّت اقتصادی در اسلام کسب در آمد حلال برای گذران امور زندگیست که به آن اهتمام ویژه شده است؛ تا آنجا که کسب درآمد برای امور زندگی را در تراز جهاد فی سبیل الله قرار داده‌اند:

قَالَ الصادق(ع) :الْکَادُّ عَلَی عِیَالِهِ مِنْ حَلَالٍ کَالْمُجَاهِدِ فِی سَبِیلِ اللَّهِ[۳]

«امام صادق(ع) فرمود:کسی که در راه کسب روزی حلال برای خانواده‌اش تلاش کند مانند مجاهد در راه خداست. »

و به همین اندازه که به طلب روزی تاکید شده است از ترک طلب نهی گردیده تا آنجا که رسول خدا(ص) با تارک طلب روزی اعلام بغض و دشمنی نموده است.

علی بن عبد العزیز گوید: امام صادق(ع) از من سؤال فرمود: عمر بن مسلم چه می‌کند؟ عرض کردم فدایت شوم به عبادت رو کرده و دست از کسب و کار کشیده است، فرمود: ای وای! آیا نمی‌داند کسیکه کار را رها کند هیچ دعائی از او به اجابت نمی‌رسد، بعد فرمود: جماعتی از اصحاب رسول خدا(ص) هنگامی که آیه شریفه «وَ مَنْ یَتَّقِ اللَّهَ یَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً» نازل شد مغازه‌های خود را بستند و در مسجد به عبادت رو آوردند و با خود می‌گفتند که خداوند ما را کفایت کرد، و این موضوع به گوش رسول خدا(ص) رسید نزد آنها فرستاد و پرسیدند چه چیز شما را بدین کار که کرده‌اید واداشت؟ گفتند: یا رسول الله خداوند خود روزی ما را تکفّل فرموده لذا ما به عبادت و پرستش او رو کرده‌ایم، فرمود: براستی که هر کس چنین کند دعایش را خداوند اجابت نفرماید، بر شما باد که طلب روزی کنید و به کار و حرفه‌ای بپردازید، سپس فرمود: من دشمن دارم آن کس را که کار را ترک کند و دهان به روی آسمان بگشاید و بگوید: خداوندا، مرا روزی ده، و کوشش را رها کند.[۴]

نکته قابل توجه این است که در اسلام، در تقسیم مسئولیت‌ها وظیفه کسب درآمد به عهده مرد نهاده شده است و به زن هیچ مسئولیتی در این زمینه داده نشده لذا فقها به اتفاق و اجماع نفقه را حق زن و وظیفه مرد دانسته‌اند؛ بر عکس جامعه غرب زده امروز که مسئولیت کسب در آمد بین زن و مرد تقسیم شده و زنان هم‌پا و دوشادوش مردان، در عرصه کسب و کار حضور دارند و این متاسفانه منشأ بسیاری از مشکلات گردیده است.

هزینه

پس از آنکه در آمد توسط مرد کسب شد، نوبت به خرج کردن این درآمد می‌رسد. شاید مسئله چگونه بهره بردن و خرج کردن مهم‌ترین قسمت مرتبط با سبک زندگی خانوادگی باشد؛ این بخش اگر صحیح مدیریت نشود از هر طرف که زیاده‌روی شود آثار سوء و ناراحت کننده‌ای خواهد داشت؛ در این بخش میانه روی و مراعات اقتصاد که از نشانه‌های مؤمن است بسیار ضروری است. امیر المومنین(ع) در خطبه متقین به همام می‌فرماید: مومنین کسانی هستندکه:

مَلْبَسُهُمُ الاقتِصَاد.[۵]

«پوشش آنها میانه روی در امور است»

در این بخش مدیر خانه باید سه نکته را مراعات کند

نگاه به دخل و تهیه نیازمندی‌ها به ترتیب اولویت

مدیر خانواده اگر می‌خواهد مطابق الگوی اسلامی زندگی کند، باید تلاش کند که با درآمدی که کسب کرده، پس از محاسبه توان اقتصادی خود، اولویت‌های خانه را تهیه نماید؛ اولویّت‌هایی مثل خوراک، پوشاک، مسکن، درمان و تحصیل.

نکته مهم این است که عدم دقت در این بخش می‌تواند تمام زندگی یک فرد را مختل کند؛ زیرا انسان به واسطه همین امور اولیه امکان سایر فعالیت‌ها اعم از مادی و معنوی را پیدا می‌کند. البته این مطلب نباید مغفول بماند که روح‌های بزرگ و الهی حتی با کمبود گسترده در این زمینه‌ها هم به فعالیت خود ادامه می‌دهند؛ امّا این در توان هر انسانی نیست و هرکسی نمی‌تواند با سختی کمبود نیازهای اولیه بسازد؛ که فرموده‌اند: کار نیکان را قیاس از خود مگیر.

*** مدیر خانواده اگر می‌خواهد مطابق الگوی اسلامی زندگی کند، باید تلاش کند که با درآمدی که کسب کرده، پس از محاسبه توان اقتصادی خود، اولویت‌های خانه را تهیه نماید؛ اولویّت‌هایی مثل خوراک، پوشاک، مسکن، درمان و تحصیل.**

***

وسعت در معیشت در حد شان و عرف محل زندگی

مطابق نظر برخی از متدینین نا آگاه زهد باید به صورت تحمیلی باشد؛ به این معنا که پدر خانواده که می‌خواهد زاهدانه زندگی کند، پس برای سایرین نیز باید در حد زنده ماندن مایحتاج زندگی را تهیه کند، در صورتی که در اسلام از مستحبّات این است که مرد در صورت امکان و در حدود شرع و عرف به خانواده خود وسعت دهد؛ و اجازه ندهد که آنها در سختی و مشقت بیفتند.

جلوگیری از اسراف و تبذیر و تجمل

رکن سوم مدیریت اقتصادی جلوگیری از اسراف و تبذیر و تجملات است. در اسلام همان‌گونه که نحوه کسب ملاک است، چگونگی خرج هم مهم است؛ انسان به صرف این‌که مالی را از طریق مشروع کسب نموده است نمی تواند آن را در هر راهی که خواست هزینه کند؛ بلکه باید از هرگونه اسراف و تبذیر بپرهیزد و سادگی در زندگی را بر تجملات آن ترجیح دهد؛ این بخش در موضوع صرف هزینه‌ها بخشی است که رنگ زندگی را از الهی به مادی تغییر خواهد داد.

زندگی زهرای مرضیه(س) و امیر المومنین(ع) نمونه ای بارز از یک زندگی ساده و بدون اسراف و تبذیر و تجملات دنیایی است.

مراسم ازدواج سرور زنان جهان در نهایت زهد و سادگی صورت گرفت تا الگو و نمونه کاملی برای ازدواج اسلامی باشد و مسلمانان بدانند تشریفات و زر و زیور ظاهری هیچ تأثیری در سرانجام زندگی و خوشبختی زوجین ندارد و متوجّه باشند که اگر مسئله رعایت شئونات طرفین مطرح باشد، هیچ زنی از نظر شرافت و قدر همپایه فاطمه(س) سرور زنان دو عالم نبوده، همان طور که هیچ مردی از نظر کرامات و فضایل همقدر و همشأن سرور اوصیاء علی مرتضی(ع) نیست.

مهریّه زهرای مرضیه (س) ۴۸۰ یا ۵۰۰ درهم نقره بود و جهیزیه آن حضرت که از محل فروش زره امیر مؤمنان(ع) تهیّه شد، عبارت بود از:

۱ -پیراهنی به بهای هفت درهم. ۲- روبندی به بهای چهار درهم. ۳- تختخوابی از برگ و ساقه درخت خرما. ۴- دو تشک از پشم گوسفند و لیف خرما. ۵- چهار بالش پر شده از گیاه خوشبوی (اذخر) ۶- پرده نازکی از جنس پشم. ۷- یک تخته حصیر. ۸- یک آسیاب دستی. ۹- یک تشت مسی. ۱۰- یک مشک پوستی. ۱۱- یک کاسه چوبین. ۱۲- دو مشک کهنه آب. ۱۳- یک آفتابه. ۱۴- دو کوزه سفالین. ۱۵- یک سفره چرمین. ۱۶- مقداری عطر. ۱۷- یک چادر بافت کوفه.

امیر مؤمنان علی (ع) نیز خانه خود را با ریگ‌های نرم مفروش نمود و فرشی از پوست و بالشی از لیف خرما مهیّا نمود و به این ترتیب خانه خود را برای ورود نو عروس بی‌همتای خویش آماده ساخت، پس از تهیّه مقدمات، رسول خدا(ص) خطبه عقد را جاری نمود و پس‌از آن فرمود تا طبقی از خرمای نورس را در میان حضّار تقسیم کنند.[۶]

وَ قَالَ الصادق (ع) مِنَ الْمُرُوءَةِ أَنْ تَقْتَصِدَ فَلَا تُسْرِفَ وَ تَعِدَ فَلَا تُخْلِف.[۷]

«مروت این است که فرد میانه روی در امور مالی پیشه کند و اسراف نکند و وعده بدهد و تخلف نکند.»

آینده‌نگری همراه با توکّل

در تمام زندگی‌ها اموری غیر قابل پیشبینی مثل مریضی و یا اموری قابل پیشبینی مثل عقد و عروسی وجود دارد، که طبعاً نیاز به هزینه دارد؛ یکی از نکاتی که در بحث مدیریت اقتصادی مطرح است آینده‌نگری در امور اقتصادیست؛ که امروزه از آن به پس انداز یاد می‌شود. انسان باید برای زندگی خود برنامه داشته باشد و این به هیچ وجه با توکّل منافات ندارد.

در حدیث امام صادق(ع) آمده بود: «شترت را ببند و بر خدا توکّل کن»، که اشاره به معنای درست «توکّل» است. چون جهان را خداوند بر جریان غلل و اسباب قرار داده است. و همان اسباب نیز به لطف او کارآیی دارد؛ پس هم باید «شتر را بست